



سند برده شده است.
لازم به ذکر است که به دلیل اختصار از ذکر متن عربی روایات و سند آنها خودداری شده است.

مقدمه

الف - تبیین موضوع

«قرآن کریم» و «سنت نبوی» دو شجره طوبای برآمده از یک ریشه مبارک‌اند و هر دو متعلق به یک قانون‌گذار، بی‌تردید قرآن مجید، اعتقاد مسلمانان به ایده ظهور مهدی (ع) را که از رسول اکرم (ص) متواتر بوده، با مجموعه‌ای از آیات شریفه تأیید کرده است؛ آیاتی که بسیاری از مفسران آنها را بر امام مهدی (ع) تطبیق کرده‌اند که ظهورش در آخرالزمان نوید داده شده است. هرگاه مطلبی از پیامبر (ص) متواتر گردد، ناگزیر باید پذیرفت که قرآن حکیم آن را یکسره مسکوت نگذارده است، هر چند عقول ما به سادگی آن را در نیابند؛ زیرا خداوند متعال در وصف قرآن می‌فرماید:

و تَرٰنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبٰیٰنًا لِّكُلِّ شَیْءٍ
و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو نازل کردیم.

بنابراین استخراج این عقیده از آیات مبارکه بر عهده کسی است که حقایق قرآنی را با فهمی در خور آن، درک کند و تردیدی نیست که بنا بر نص حدیث شریف ثقلین که نزد همه مسلمانان متواتر است، «اهل‌البیت (ع)» همتا و کفو قرآنند. از این رو، باید آیاتی را که ایشان بر ظهور مهدی (ع) حمل کرده‌اند، دلیل قرآنی ایده مهدویت به شمار آوریم.

در این زمینه احادیث فراوانی از حضرات ائمه (ع) نقل شده است که در آنها آیات بسیاری بر حضرت مهدی (ع) و موضوع‌های مرتبط با آن حضرت تطبیق شده است. البته در نوشتار حاضر بخشی از این احادیث را ذکر

امام مهدی در قرآن

(بررسی تطبیقی)

قسمت اول

محمد هادی قهاری کرمانی



۱-۲. معنای اصطلاحی تفسیر: در مورد معنای اصطلاحی تفسیر، نظرات گوناگونی از سوی مفسران علوم قرآنی مطرح گردیده است. اما با بررسی احوال مفسران در قرون مختلف و بررسی عملکرد ایشان در کتب تفسیر، تعریفی واحد از علم تفسیر حاصل می‌شود. هر چند که ایشان به الفاظ و شکل‌های مختلف از آن تعبیر کرده باشند و آن «بیان مقصود الهی از الفاظ و آیات قرآن کریم» است که در اینجا نوعی ارتباط و هماهنگی

میان معنای اصطلاحی تفسیر و معنای لغوی و لفظی آن یعنی «کشف و بیان» آشکار می‌گردد.^۵

نقش تفسیر، پرده‌برداری از مدلول لفظ و بیان معنای آن است در نتیجه بیان معنای ظاهری لفظ که از ظاهر کلام به ذهن می‌رسد، تفسیر نامیده نمی‌شود و به تعبیر شهید صدر،

کشف و بیان در معنای آن است در نتیجه بیان در معنای کلمه تفسیر، به وجود درجه‌ای از خفا و پیچیدگی در معنا اشاره دارد به گونه‌ای که این پنهان بودگی و پیچیدگی از طریق عمل تفسیر، کشف و برطرف می‌گردد. البته گاهی اوقات ذکر معنای ظاهر نیز تفسیر و اظهار امر پنهان محسوب می‌شود به دلیل این که گاهی اوقات نوعی خفا و پیچیدگی در کلام ظاهر نیز وجود دارد که احتیاج به اظهار و روشن‌گری دارد. بنابراین، تفسیر، مفهومی نسبی است، چرا که معنای واحد ممکن است نسبت به شخصی احتیاج به بیان و پرده‌برداری داشته باشد در حالی که نسبت به شخص دیگر چنین نیازی نباشد.^۶

در مجموع به نظر می‌رسد بهترین معنا برای واژه «تفسیر» معنای اخیر باشد که مراد از آن «بیان معنای پنهان و کشف آن» است. در این معنی، تفسیر عبارت از «بیان معنای پنهان و کشف آن» است.

این معنی با معنای لغوی و لفظی آن نیز سازگار است. در این معنی، تفسیر عبارت از «بیان معنای پنهان و کشف آن» است.

اینکه در بیان کلام تفسیر، معنای پنهان و کشف آن از واژه‌هایی است که در بین محققان دارای معانی مختلفی است. در این بخش به بررسی واژه تاویل پرداخته و مشخص خواهیم کرد که مقصود ما از واژه تاویل در این مقاله کدام یک از معانی آن است.

۱-۳. معنای لغوی تاویل: در تهنیهب اللمة آمده است: «أول» یعنی رجوع و «أل بؤوله إیالة» یعنی او را سیاست و تأدیب کرد.^۷

ابن فارس در مقاییس اللمة آورده است: «اول» دارای

می‌کنیم که مورد تأیید نصوص روایی و تفسیری مذاهب اهل سنت نیز باشد.

مراد از موضوع‌های مرتبط با مسئله مهدویت مواردی است که در روایات تفسیری فریقین نقل شده و با احادیث مهدی (ع) پیوند دارد و باید آنها را یک جا بررسی نمود. این موضوع‌ها عبارتند از:

الف - لشکریان سفیانی و فرو رفتن آنها در سرزمین پیداء؛

ب - فرود آمدن حضرت عیسی (ع) از آسمان و نماز گزاردن وی پشت سر حضرت مهدی (ع)؛

ج - خروج دجال در آخرالزمان و کشته شدن وی به دست حضرت عیسی (ع)؛

د - اشراف الساعة و علائم قیامت.

ارتباط و پیوند این مسایل با بحث مهدویت توسط آیات و روایات در متن مقاله به تفصیل شرح داده شده است.

نکته حائز اهمیت این است که علمای اهل سنت، روایات تفسیری مهدویت را به طور طبیعی مانند سایر روایات تفسیری بررسی یا نقد کرده‌اند و چنین نیست که این روایات را جعلی یا ضعیف شمرده باشند بلکه بسیاری از این روایات در منابع روایی معتبر آنها - چنانچه خواهد آمد - نقل شده است.

هدف کلی این پژوهش، آشنایی بیشتر با کم و کیف روایاتی است که در مصادر روایی فریقین به تفسیر یا تأویل آیات شریفه قرآن در زمینه مهدویت پرداخته‌اند. در ذیل به برخی از سؤال‌ها که پاسخ آنها اهداف جزئی پژوهش را در بر می‌گیرد اشاره می‌کنیم:

از دیدگاه روایات تفسیری شیعه و اهل سنت چه تعداد از آیات قرآن مربوط به امام مهدی (ع) و مسایل مرتبط با آن حضرت می‌باشد؟ این روایات چه وجه اشتراک یا افتراقی با یکدیگر دارند؟ از نظر سند چه وضعیتی دارند؟ آیا مفاد این روایات با ظاهر و سیاق آیات سازگار است؟ دلالت این روایات بر موضوع امام مهدی (ع) دلالت قطعی است یا تمسبی؟ یا التامی؟

این سؤالات را در این پژوهش بررسی خواهیم کرد. در این مقاله سعی شده است تا با استناد به منابع معتبر روایی و تفسیری، به پاسخ این سؤالات پرداخته شود.

«روشن نمودن و تبیین» است. اهل سنت برای آن دو ریشه ذکر کرده‌اند که هر دو به معنای «کشف» است. الف - فسر: مصدر که مقلوب «فسر» است. مانند «أسفر الصبح» یعنی صبح روشن شد یا «أسفرت للمرأة من وجهها» یعنی زن روی باز کرد و صورتش نمایان شد.

تفاوت این دو آن است که: «فسر» به معنی کشف ظاهری و مادی و «فسر» به معنی کشف باطنی و معنوی به کار می‌رود چنانکه راغب اصفهانی می‌گوید: «الفسر: اظهار المعنی المعقول».^۸

۷۰۵



در ذیل آیه ۶۹ سوره نساء این چنین می‌باشند:
 ج - گاهی نیز مصداق و تحقق عینی مفاد آیه منحصر
 به دوران امام زهرا (ع) است که روایات تفسیری به بیان
 این مطلب پرداخته‌اند؛ از جمله این موارد دسته اول
 روایات تفسیری شیعه در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه می‌باشد
 که تحقق این آیه را در زمان ظهور مهدی (ع) در
 شهر مدینه است. بنا بر این اگر در این مقاله مشاهده می‌شود
 که بسیاری از روایات تفسیری به تأویل آیات پرداخته‌اند
 در این مقاله به بیان این مطلب پرداخته می‌شود.

دو اصل است: ۱- ابتدای آیه که واژه اول به معنای ابتدا
 از این اصل است؛ ۲- انتهای آیه، تأویل کلام به معنای
 عاقبت و سرانجام کلام؛ از این روایت است:
 این تأویل در نهان بعد از ذکر معنای رجوع برای اول
 می‌نویسد مراد از تأویل برگرداندن ظاهر لفظ از معنای
 اصلی است. در معنای دیگر تأویل بر آن قائم است که
 در آن دلیل است بر این معنای ظاهر لفظ است
 در این مقاله به بیان این مطلب پرداخته می‌شود.

و کسانیکه از خدا و پیامبر اطاعت کنند،
 در زمره کسانیکه خواهند بود که خدا ایشان
 را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان
 و شهیدان و شایستگان؛ و آنان چه نیکو
 همدمانند.

در این مقاله به بیان این مطلب پرداخته می‌شود.
 در این مقاله به بیان این مطلب پرداخته می‌شود.
 در این مقاله به بیان این مطلب پرداخته می‌شود.
 در این مقاله به بیان این مطلب پرداخته می‌شود.

روایات تفسیری شیعه
 روایاتی که در مصادر شیعی در ذیل آیه مورد بحث وارد
 شده است به دو دسته تقسیم می‌شوند:

مفسران و دانشمندان علوم قرآنی پیرامون معنای تأویل
 در این آیات نظریات گوناگونی داده‌اند.^{۱۱} در مجموع اگر
 بیان مصادیق خارجی آیات را جزء معانی باطنی آیات
 در نظر بگیریم می‌توان گفت واژه تأویل به معنای
 تبیین معانی باطنی و مصادیق مختلف آیات قرآن کریم
 می‌باشد و این همان معنایی است که در این مقاله از این
 واژه مد نظر است.

دسته یکم، روایات شأن نزول آیه: شیخ طوسی در
 کتاب *امالی* روایتی از امیرالمؤمنین (ع) درباره شأن نزول
 این آیه نقل کرده است که به دلیل عدم ارتباط با بحث،
 از نقل آن پرهیز می‌کنیم.^{۱۱}

دسته دوم، تأویل آیه درباره امامان (ع): در تفاسیر
 روایی شیعه، هشت روایت تفسیری از پیامبر (ص) و
 ائمه هدی (ع) نقل شده است که تأویل این آیه شریفه
 را درباره ائمه (ع) دانسته‌اند. از بین این روایات، دو روایت
 تصریح به نام امام مهدی (ع) دارد که به نقل یکی از آنها
 می‌پردازیم.^{۱۲}

در *اصول کافی* و *تفسیر فرات* کوفی حدیثی طولانی از
 امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که ضمن تأویل آیه مورد
 بحث درباره ائمه (ع)، امام مهدی (ع) را به عنوان یکی از
 هفت فرد افضل اهل بهشت معرفی کرده است. جهت
 اختصار به بخش‌هایی از این روایت که مورد بحث ما
 است اشاره می‌کنیم:

ب - ممکن است آیه شریفه دارای مصادیق مختلفی
 باشد یا مفاد آیه بر دوران‌های متفاوتی منطبق باشد اما
 مصداق اتم و اکمل آن توسط روایات تفسیری بر امام
 مهدی (ع) و مسائل مرتبط با آن حضرت انطباق یافته
 است. به عنوان نمونه دسته دوم روایات تفسیری شیعه

حضرت علی (ع) فرمود:
 بهترین مردم در روزی که خداوند آنها را
 جمع می‌کند، هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب
 هستند که فضیلت و برتری آنان را جز کافر
 و جاحد، کسی انکار نمی‌کند... برترین انبیا،

مذکور در دوران رجعت دانسته شده است.
 ب - ممکن است آیه شریفه دارای مصادیق مختلفی
 باشد یا مفاد آیه بر دوران‌های متفاوتی منطبق باشد اما
 مصداق اتم و اکمل آن توسط روایات تفسیری بر امام
 مهدی (ع) و مسائل مرتبط با آن حضرت انطباق یافته
 است. به عنوان نمونه دسته دوم روایات تفسیری شیعه

۷۵۴



شود چنانچه دو روایت از روایات یاد شده نیز تصریح به «مهدی در دوران ظهورش» دارند. همچنین افضلیت و برتری امام حسن و امام حسین (ع) بر حمزه و جعفر در بین شیعه قطعی است؛ اما تقدم ذکر نام آن دو بر حسین (ع) در این روایات، دلیل بر برتری حمزه و جعفر نیست بلکه چون در زمان صدور این روایات، حسین (ع) شهید نشده بودند بنابراین لفظ «الشهداء» بر حمزه و جعفر اطلاق شده است.

در مورد سند روایات *شواهد التنزیل* باید بگوییم روایات اول و سوم، مستند^{۱۶} و دو روایت دیگر موقوف می باشند یکی از این روایات، نبوی است، دو روایت از ابن عباس و یکی از حذیفه بن یمان نقل شده و در سه روایت، تصریح به نام مقدس مهدی (ع) شده است.

روایات تفسیری هشگانه شیعه - مطابق آنچه در تفسیر برهان نقل شده است^{۱۸} - شامل چهار روایت مستند سه روایت مرسل^{۱۹}، یک روایت موقوف و یک روایت مفرد^{۲۰} می باشند.

در مجموع دلالت روایات تفسیری فریقین مبنی بر تأویل آیه مورد بحث درباره ائمه معصومین (ع) روشن و واضح است و ظهور آیه شریفه نیز آن را تأیید می کند همچنین مستند بودن شش روایت از روایات فریقین نیز مؤید دیگری بر صحت این تأویل است.

۲. آیه ۱۵۹. سوره نساء

خداوند سبحان می فرماید:

و ان من اهل الكتاب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القيمة یكون علیهم شهیدا.
و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان آورد و در روز قیامت بر او شهادت دهد.

در این آیه، «اهل کتاب» عبارتند از یهود، نصاری و مجوس و «قبل موته» یعنی پیش از وفات او است.

«و یوم القيمة» یعنی روز قیامت است که در آن روز، هر کس که ایمان نیاورد یا کفر کند، بر او شهادت می دهند.

در این آیه، «اهل کتاب» عبارتند از یهود، نصاری و مجوس و «قبل موته» یعنی پیش از وفات او است.

«و یوم القيمة» یعنی روز قیامت است که در آن روز، هر کس که ایمان نیاورد یا کفر کند، بر او شهادت می دهند.

در این آیه، «اهل کتاب» عبارتند از یهود، نصاری و مجوس و «قبل موته» یعنی پیش از وفات او است.

«و یوم القيمة» یعنی روز قیامت است که در آن روز، هر کس که ایمان نیاورد یا کفر کند، بر او شهادت می دهند.

محمد (ص) است... برترین اوصیا، وصی محمد (ص) می باشد... برترین شهدا، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب هستند... [همچنین] دو سبط (پیامبر) حسن (ع) و حسین (ع) جزو برترین های روز قیامت اند و مهدی (ع) که خداوند او را از اهل بیت قرار داده است [هفتمین آنهاست] پس این آیه را تلاوت فرمود: «و من یطعم الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم...»^{۱۳}

روایات تفسیری اهل سنت

روایات تفسیری اهل سنت درباره آیه مورد بحث به دو دسته تقسیم می شوند:

دسته یکم، روایات شأن نزول آیه: روایات شأن نزول آیه شریفه، در منابع روایی فریقین تقریباً یکسان و به یک شکل نقل شده است.^{۱۴}

دسته دوم، تأویل آیه درباره اهل بیت (ع): چهار روایت در این زمینه در کتاب *شواهد التنزیل* آورده شده که به نقل یکی از آنها اکتفا می کنیم:

حذیفه بن یمان گفت:

روزی بر رسول خدا (ص) وارد شدم که آیه «اولئک الذین انعم الله علیهم...» نازل شد حضرت آن را بر من قرائت کرد. آن گاه گفتم: ای پیامبر خدا - پدر و مادرم به فدایت - اینان کیانند؟ همانا من خداوند را نسبت به ایشان پرمهر و محبت یافتم. فرمود: ای حذیفه مراد از «تبین» که خدا آنها را گرمی داشته است، من هستم؛ من اولین در نبوت و آخرین آنها در مبعوث شدن می باشم. منظور از «صدیقین» علی بن ابی طالب است. هنگامی که خدا مرا به رسالت مبعوث کرد او اولین تصدیق کننده من بود.

مقصود از «شهداء» حمزه و جعفر است از «اصحاب» حسن و حسین دو اقلی عبارتند از یهود، نصاری و مجوس.

«اولئک الذین انعم الله علیهم» عبارتند از اهل بیت (ع) که در روز قیامت بر او شهادت می دهند.

«اولئک الذین انعم الله علیهم» عبارتند از اهل بیت (ع) که در روز قیامت بر او شهادت می دهند.

«اولئک الذین انعم الله علیهم» عبارتند از اهل بیت (ع) که در روز قیامت بر او شهادت می دهند.

«اولئک الذین انعم الله علیهم» عبارتند از اهل بیت (ع) که در روز قیامت بر او شهادت می دهند.

«اولئک الذین انعم الله علیهم» عبارتند از اهل بیت (ع) که در روز قیامت بر او شهادت می دهند.

«اولئک الذین انعم الله علیهم» عبارتند از اهل بیت (ع) که در روز قیامت بر او شهادت می دهند.

«اولئک الذین انعم الله علیهم» عبارتند از اهل بیت (ع) که در روز قیامت بر او شهادت می دهند.

آن کدام آیه است؟ گفت: آیه «و این من اهل کتاب الا لیؤمنن به قبل موته» است. به خدا سوگند با این که دستور می دهم کردن یک یهودی و یا مسیحی را بزنند و خودم تا آخرین رمقش می ایستم و به دقت نگاه می کنم لیکن آنها را تشکان می دهند و به سخنان عیسی ای مسیح شهادت می دهند و به چیزی نمی بینم بلکه لبها همچنان بسته است و این سخن شهادت است که در این آیه آمده است.

از سرچشمه زلال گرفته‌ای^{۲۱}
 دسته دوم ایمان اهل کتاب به رسول خدا(ص) در لحظه مرگشان دسته اول روایت ضمیر «به» را به رسول اکرم و ضمیر «قبل موته» را به اهل کتاب بر می گرداند بنابراین معنی آیه شریفه به این صورت خواهد بود: هر یک از اهل کتاب نسبت مگر این که قبل از مرگ خودشان به رسول خدا(ص) ایمان می آوردند.

این روایت را می توان به عنوان تفسیر آیه به شمار آورد بلکه تطبیق این آیه بر مسلمانان دیگر است به عبارت دیگر این آیه در مورد رسول خدا(ص) و مسلمانان مصداقی است. پس این آیه به مسلمانان اهل کتاب

(ع) اقرار می آورند و عیسی(ع)

در این آیه اقرار می کند که

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

مصدق است و این است

طور که تو فهمیدی نیست. پرسید: پس به چه معناست؟ گفتم: عیسی قبل از به پا شدن قیامت از آن محلی که در آن قرار دارد نازل می شود و هیچ اهل ملتی باقی نمی ماند نه یهودی و نه غیر یهودی مگر آن که قبل از مرگ وی به او ایمان می آورد و او پشت سر مهدی(ع) به نماز می ایستد. حجاج چون این بشنید از در تعجب گفت: وای بر تو! این سخن را از که آموزشی و از چه کسی نقل می کنی؟ گفتم: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب آن را برایم نقل کرد. در پاسخ گفتم: به خدا سوگند که

و یاد کن هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شما است تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و یاریش کنید. [آن گاه] فرمود: آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟ گفتند: آری، اقرار کردیم. فرمود: پس گواه باشید و من با شما از گواهانم.

در تفسیر عیاشی سه روایت در این زمینه نقل شده است که به یکی از آنها اشاره می کنیم. وی به نقل از ابن سنان از امام صادق(ع) در مورد آیه مذکور روایت کرده که حضرت فرمود:

منظور، ایمان اهل کتاب به محمد است.^{۲۲}

۷۵۸



و طباطبایی، محمد حسین، میزان، ج ۱، ص ۴، بیروت، مؤسسة الاعلی للمطبعات، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق.

ز. زرقانی، محمد عبداللطیف، ماهل العرفان، ج ۲، ص ۴، بیروت دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ. ق.

۵. الصغیر، محمد حسین علی، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم بین النظریة و التطبيق، ص ۲۰ - ۱۹، بیروت، دارالمورخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق.

۶ حکیم، سید محمد باقر، علوم قرآن، ص ۲۱۵، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ. ق.

۷. ازهری، محمد بن احمد تهذیب اللغة، ماده اول.

۸. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ماده اول، بیروت، دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ. ق.

۹. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ماده اول، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۱۰. نک.

السف. ابن تیمیة، احمد بن عبدالحکیم، الاکلیل فی المنتشابه و التماثل، ص ۱۵، اسکندریة، دارالایمان.

ب. طباطبایی، محمد حسین، میزان، ج ۳، ص ۲۵ و ۲۵، همان.

ج. معرفت، محمد هادی، تخصیص التعمید، ج ۱، ص ۲۸۲ - ۲۸۳، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۸ هـ. ق.

د. شاکر، محمد کاظم، روش های تأویل قرآن، ص ۱۰۰ - ۹۸، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۸ هـ. ق.

۱۱. شیخ طوسی، امالی، ص ۶۲۱، قم، دارالتفاهة، ۱۴۱۴ ق.

۱۲. برای مشاهدہ روایت دوم نکند قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴۲، قم، مؤسسة دارالکتاب للطباعة و النشر، ضمناً در تفسیر لواءالتوح رازی، ج ۳، ص ۳۳۵ و منهج الصادقین، ج ۳، ص ۶۶ این حدیث از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

۱۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ج ۱، ص ۱۱۱، ج ۱۱۳ و ۱۱۴، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۰، ج ۳۳، دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸ ق.

۱۴. نکند تفسیر طبری، ج ۵، ص ۲۲۵، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۲.

۱۵. حاکم حسکلی، مشاهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۹، ج ۲۰۹، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة - التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ ق.

سه روایت دیگر عیونتند از: ج ۲، ص ۲۰۶ و ج ۲۰۸ در همین منبع.

۱۶. مسندہ حدیثی است که سلسله سند آن در جمیع مراتب تا معصوم مذکور و متصل باشد (درایة الحدیث مدیر شانهجی، ص ۵۶).

۱۷. موقوف حدیثی است که از مصاحب معصوم نقل شود چه سلسله سند به صحابی متصل باشد و چه منفصل. (علما الحدیث مدیر شانهجی، ص ۱۶۰).

۱۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۳ - ۱۲۵، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

۱۹. مرسل، حدیثی است که آخرین راوی حدیث مذکور یا معلوم نباشد (درایة الحدیث مدیر شانهجی، ص ۴۸).

۲۰. مفرد حدیثی است که در طبقه اول فقط یک نفر آن را روایت کرده باشد (برچه در طبقات بعدی جمعی آن را نقل کرده باشد (درایة الحدیث مدیر شانهجی، ص ۵۴).

۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۵، همان؛ نیز نگاه کنید به مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۲۳، تفسیر صالحی، ج ۱، ص ۱۱۹، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۳، در این حدیث از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

دسته سوم، ایمان همه مردم به رسول خدا(ص) در زمان رجعت؛ تنها یک روایت است که تأویل آیه شریفه مورد بحث را در دوران رجعت رسول مکرم اسلام(ص) دانسته و تصریح می کند که در آن زمان همه مردم به ایشان ایمان خواهند آورد. این روایت در تفسیر قمی چنین نقل شده است:

در باره آیه شریفه «و ان من اهل الكتاب...» روایت شده هنگامی که رسول خدا(ص) رجعت کند همه مردم به او ایمان می آورند.^{۲۴}

دسته چهارم، ایمان اهل کتاب به رسول خدا(ص) و امیر مؤمنان(ع) در لحظه مرگ: در مصادر روایی شیعیه یک روایت وجود دارد که می گویند منظور از آیه مذکور، این است که همه اهل کتاب، قبل از مرتن به حقانیت رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) پی می برند. این روایت را عیاشی در تفسیرش آورده است.

وی به نقل از جابر از امام باقر(ع) درباره آیه «و ان من اهل الكتاب...» روایت کرده است که حضرت فرمود: احدی از پیروان جمیع ادیان از یولین تا آخرین آنها نمی میرد جز اینکه به حقانیت رسول خدا(ص) و امیر مؤمنان(ع) پی می برد.^{۲۵}

دسته پنجم، اقرار اولاد فاطمه(س) به امامت امام خود در لحظه مرگ: در تفسیر عیاشی روایتی است که می گویند منظور از آیه مذکور این است که هیچ یک از اولاد فاطمه(س) از دنیا نمی رود مگر اینکه به امامت امام خویش اقرار می کند.

وی از مفصل بن محمد روایت کرده که گفت:

از امام صادق(ع) درباره آیه «و ان من اهل الكتاب الا لیؤمنن به قبل ان یوموتوا» روایت

حضرت فرمود: این آیه در خصوص پیغمبر است

سلسله است تا قبل از هیچ کس از پیغمبر

او دنیا نمی رود مگر اینکه به امامت او اقرار

کند و این روایت در تفسیر عیاشی و در تفسیر

صالحی و در تفسیر طبری و در تفسیر طبرسی

و در تفسیر ابن کثیر و در تفسیر ابن کثیر

و در تفسیر ابن کثیر و در تفسیر ابن کثیر

و در تفسیر ابن کثیر و در تفسیر ابن کثیر

و در تفسیر ابن کثیر و در تفسیر ابن کثیر

و در تفسیر ابن کثیر و در تفسیر ابن کثیر

و در تفسیر ابن کثیر و در تفسیر ابن کثیر

۵۰۹

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه ۸۹

۲. جوهری، صحاح اللغة، ماده سفر.

۳. رغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده سفر.

۴. نکند.

الف. زرکشی، بدران، البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۱۴۸، بیروت، دارالکتب

الطبیة، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ. ق.

ب. ابوجان اندلسی، محمد بن یوسف البحر المحیط، ج ۱، ص ۸۷، بیروت، دارالفکر،

۱۴۰۳ هـ. ق.

ج. طبرسی، مفصل بن حسن، مجمع البیان لمعلوم القرآن، ج ۱، ص ۸۰، بیروت،

دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق.

د. علوم القرآن عند المفسرین، ج ۳، ص ۱۸۰.

ه. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۱.